

سبک زندگی و اثربخشی نقوش انسانی خانه ابریشمی بر ماندگاری جایگاه اجتماعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

جمال الدین سهیلی^۲

عظمی علاالدینی^۳

چکیده

سبک زندگی مفهومی است که با انتخابی شدن روش زندگی معنا پیدا می‌کند و به شخصیت و ترجیحات افراد برمی‌گردد. با روی کار آمدن سلسله قاجار در تاریخ پررمز و راز ایران به واسطه پیشرفت‌هایی که در جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و توسعه روابط خارجی با کشورهای اروپایی و غربی و رواج تجددگرایی در کشور رخ داد، تصویرگری و تزیینات دچار تغییرات اساسی گردید. در این شرایط، گروه‌های مختلف اجتماعی شکل گرفت که به تدریج، و در اثر مجاورت و هم‌نشینی گروه‌های مختلف سبک‌های زندگی خاصی ایجاد گردید. این پژوهش، نه تنها جنبه‌های تاریخی را بررسی می‌کند، بلکه به تحلیل خصایص اجتماعی-فرهنگی نیز می‌پردازد و به دنبال یافتن اثربخشی نقوش انسانی بر کیفیت سبک زندگی و ماندگاری جایگاه اجتماعی در خانه‌های تجار و بازرگانان است. از این رو پرسش این است که، چگونه نقوش انسانی بر کیفیت زندگی و ماندگاری جایگاه اجتماعی طبقات اجتماعی در خانه‌های اشرافی گیلان در دوران قاجار اثرگذار بوده است. خانه ابریشمی به‌جامانده از دوران قاجار در رشت به‌عنوان نمونه، مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته است. از آنجایی که، در این دوران اقتصاد و تجارت رونق گرفت و رشت به‌عنوان شهری تجاری شناخته شد، عوامل اقتصادی اثرات شگرفی بر جای گذاشته است. از این رو، بازرگانان بسیاری در رشت زندگی می‌کردند. آن‌ها خانه‌های مسکونی خویش را باشکوه و بزرگ می‌ساختند. با در نظر گرفتن ماهیت موضوع، پژوهش حاضر مبتنی بر استدلال استنتاجی است و با رویکردی به تحلیل محتوا، روش‌شناسی تفسیری-تاریخی را اتخاذ می‌نماید. لذا، اطلاعات این پژوهش از طریق تحقیقات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی جمع‌آوری شده است. در رشت خانه‌های اعیانی و مجلل بسیاری باقی مانده است. چراکه به دلیل توسعه ابریشم، این شهر در دوران قاجار از رشد اقتصادی قابل توجهی برخوردار بود. بر طبق تفسیر و تحلیل یافته‌ها ارتباط مستقیمی میان متغیرات سبک زندگی و عواملی مانند عادت و آراء، مصرف‌گرایی، تمایزات اجتماعی، سرمایه اقتصادی، شغل و سبک کاری افراد وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، نقاشی دوران قاجار، خانه‌های اعیانی، خانه ابریشمی، جایگاه اجتماعی.

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.40741.1808

۲-دانشیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، نویسنده مسئول. Soheili@qiau.ac.ir

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی عمران، دانشگاه رجا، قزوین، ایران. Ozmaalaeddini@gmail.com

مقدمه

در عصر قاجار، تحولات اجتماعی بسیاری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی ایران نمود یافت. بنابراین، تغییرات عمده‌ای در هنر، سلايق و زیبایی‌شناسی به وجود آمد. از جمله شهرهایی که آشکارا، تحت تاثیر این‌گونه تغییرات قرار گرفت، شهر رشت بود. در این دوران، ارتباطات این شهر با دنیای خارج گسترش یافت و به موجب آن طبقات جدیدی از تجار شکل گرفت. تجار و بازرگانان به واسطه دارایی و ارتباطات اجتماعی و سیاسی با یکدیگر به رقابت پرداختند و تمام تلاش خود را در نمایش دادن مقام و منزلت خویش به کار می‌بستند. لذا، خانه‌های اعیانی بزرگی ساخته شد. تزیینات این خانه‌ها گاهی، به نقاشی و یا آینه‌کاری، انواع گچ‌بری‌ها و ترکیبی از تزیینات محدود می‌شود. اگرچه وجود این تزیینات در دید اول، سبک معماری قاجار تاثیرپذیری آن از اروپا را تداعی می‌نماید، لیکن، نباید از تاثیر سفرهای بازرگانان و تجار خارجی به شهر رشت غافل بود. در این دوران، خانه‌ها و بناهای باشکوه تجار به دلیل منابع مالی و مکننت دارای اشکال خاص همراه با تزیینات دیواری متنوعی است. به عبارتی، جنبه‌های زیباشناسی خانه‌های اعیان در دوران قاجار در حقیقت منشا گرفته از فرهنگ و سلیقه مشتری و طبقه اجتماعی اصیل است. دوران قاجار به منزله دوره‌ای که سرشار از نقوش و تزیینات است، از اساسی‌ترین راهکار در جهت شکل دادن به فضاهای معماری به‌شمار می‌رود (Sharifi Mehrjar- 2017: 64). ساختار معماری خانه‌های تاریخی در عصر قاجار به از یک عملکرد با ارزش همراه با الگوهای معماری ایرانی برخوردار است (شاطری و ایقان و دبدبه، ۱۳۹۸: ۱۴۹). عواملی هم‌چون تغییرات اقلیمی، تحولات اقتصادی، اجتماعی و رواج تجارت در میان طبقات متمول بازرگانان تغییرات زیادی در معماری و فضاهای خانه‌های اعیان ایجاد کرده است. لذا، رویکرد اصلی این پژوهش بررسی شیوه زندگی و تاثیرات آن بر تزیینات داخلی خانه‌های اعیانی است. سعی شده است که، این گفتمان در رابطه با شیوه زندگی و تغییرات به وجود آمده در این دوران مورد مطالعه قرار گیرد. نمونه مورد مطالعه، از منطقه

جغرافیایی گیلان انتخاب شده است که دارای قدمت تاریخی ارزشمندی از سلسله قاجار است. این خانه از نمونه خانه‌های اعیان انتخاب شده است. در این دوره از تاریخ خانه‌ها به دلیل این‌که کم‌تر تحت تاثیر اقلیم هستند، بهتر می‌توانند اثرات سبک زندگی را بازگو کنند. چرا که خانه‌های اعیانی این دوران به دلیل فراخی ساختار خانواده و شرایط خاص زندگی ساکنان شان بیش‌تر تابع وضع و شرایط مرد یا سرپرست خانواده هستند که از طبقات تعریف شده در این دوره به حساب می‌آیند (مهری، سهیلی و ذبیحی، ۱۳۹۹: ۵۲). درک ظهور و به وجود آمدن هرگونه فرهنگ، هنر، نوع جهت‌گیری استفاده از عناصر و حتی رنگ و بررسی مفاهیم و مضامین و نمادها در آثار هنری به شناخت عمیق‌تر زمینه‌های اجتماعی- سیاسی بستگی دارد (گودرزی، ۲۱۱۳۸۸). به دلیل شرایط ویژه پادشاهان و تحولات سیاسی و اقتصادی، دوران قاجار را می‌توان به سه دسته کلی تفکیک کرد. این موضوع می‌تواند به‌عنوان عامل بسیار تاثیرگذار بر ساختار زندگی اقشار مرفه در نظر گرفته شود. از این رو، سبک زندگی نیز به مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم می‌گردد که بازتاب مفهومی آن‌ها، ابتدا، در خانه‌های اعیانی و تجار به خوبی قابل مشاهده و بررسی است (ابراهیمی، سلطانزاده و کرامتی، ۲۹۱۳۹۶). مقاله حاضر در جهت پاسخ‌گویی به پرسش اصلی سبک زندگی و اثربخشی نقوش انسانی بر ماندگاری جایگاه اجتماعی طبقات مرفه در خانه‌های اشرافی گیلان در دوران قاجار است. به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش در خانه‌های اشرافی تجار رشت، در دوران قاجار به دلایلی چون رشد سرمایه‌های اقتصادی، تغییر در سبک زندگی، کسب تمایزات طبقاتی و در نهایت، دست‌یابی به ماندگاری اصیل طبقات در جایگاه اجتماعی باشد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تفسیری-تاریخی و در نهایت، استدلال استنتاجی استفاده شده است. در شرح مراحل و فرایند پژوهش از ابزارهای مشاهده مستقیم، مطالعات کتابخانه‌ای در عرصه نقاشی و تزیینات در دوره قاجار، مطالعات میدانی در خانه

مرحوم حاج میرزا احمد ابریشمی انجام شده است. در این راستا، ابتدا، اقدام به ثبت و ضبط نقوش تزیینی موجود پرداخته شد و در مرحله بعد همگام با مطالعات کتابخانه‌ای و روایی - که در زمره منابع مکتوب و شفاهی هستند - اقدام به ارزیابی و دسته‌بندی این تزیینات گردید. سپس، این نقوش در قالب استدلال استنتاجی و براساس مولفه‌های دریافتی در پاسخ به پرسش پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته شد، تا با جستار در آن بتوان تاثیر شیوه زندگی بر تزیینات بنا را مورد ارزیابی قرار داد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه اثرات سبک زندگی بر تزیینات و نقاشی‌های بناهای اعیانی انجام گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. سامی و بلالی اسکویی (۲۰۲۱)، در پژوهش «بررسی هندسه ادراکی بدنه خانه: مطالعه موردی - خانه‌های دوره قاجار در تبریز» به بررسی ۳۰ خانه ساخته شده در دوران قاجار در شهر تبریز پرداختند. نتایج نشان داد که، هندسه ادراکی خانه‌ها هماهنگ و یک‌سان نبوده است. حسینیان و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی دوره قاجار در نقاشی‌های دیواری خانه امام جمعه در تهران» به پیدایش نگرشی جدید در این دوره از تاریخ و زمینه‌های هنری پرداختند. مهری و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «تاثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان نشین دوره قاجار در مازندران» در پی خوانش فضا در رابطه باشیوه زندگی و تاثیر آن بر فضای معماری این خانه‌ها در دوران قاجار پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است، خانه‌هایی که در یک دوره مشترک در دوره قاجار ساخته شده‌اند از نظر تعداد، نوع، عمق فضا و هم‌چنین، چگونگی ارتباطشان تفاوت‌هایی با هم دارند که ناشی از شغل، روابط اجتماعی خانواده و معیشت ساکنان آن می‌باشد. هم‌چنین، شاطری و ایقان و دبده (۱۳۹۸)، در مقاله «ساختار معماری خانه‌های تاریخی ایران، دوره قاجار» به تحول و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، گردشگری و... خانه‌های تاریخی پرداختند و نتیجه نشان داد که، معماری ایران با توجه به نفوذ غرب، هنوز

معماری و شاخصه‌های اصیل ایرانی خود را حفظ کرده است. هم‌چنین، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان» سه مولفه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را - که از تغییر دهنده‌ها در شیوه زندگی هستند - سبک زندگی بیان نمودند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «تاثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی شهر همدان» میزان اثربخشی نوگرایی را در عرصه معماری خانه‌ها بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان دهنده نوگرایی در سبک زندگی مردم شهر بوده که مفاهیم جدیدی از شیوه زندگی نوین، نظیر مصرف‌گرایی، توسعه تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری اولیه مدنیت، تمایز و تشخیص اجتماعی و اهمیت اجتماعی زن را به همراه داشته است. ویلم فلور^۱ (۱۳۵۶)، ایران‌شناس هلندی در کتاب «نقاشی دیواری در دوره قاجار» با اشرافی که بر منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی داشته اثر جامعه‌ی را نگاشته که در حوزه تاریخ و هنر، نمونه موضوعی و ساختاری بسیار ارزشمند است. شریفی مهر جردی (۲۰۱۷)، در مقاله «بررسی علل رشد نقاشی‌های دیواری خانه‌های تجار یزد در دوره قاجار بر اساس الگوی ساخته شده فرایند ماندگاری سرمایه نمادین» به بررسی دلایل گسترش نقاشی‌های دیواری خانه‌های تجار در یزد در دوران قاجار پرداخت. یافته‌ها حاکی از آن است که، توسعه نقاشی‌های این دوره به دلایلی چون رشد سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و مصرف پر زرق و برق مالکان آن‌ها است که به موجب آن ماندگاری نمادین را منجر شده است. نخعی و طاهری (۱۳۹۴)، در پژوهش «تاثیرات تجارت بر روش زندگی و معماری بوشهر در دوره قاجار» به تحلیل دقیق تری از مناسبات تجارت با شیوه زندگی و اثرات آن بر سازمان‌دهی محیط شهری و مسکونی پرداختند. بررسی‌ها نشان داد که، تجار همواره، طبقه اول خانه را به امور تجاری و طبقه هم‌کف را به انبار کالا اختصاص می‌دادند؛ به طوری که، خانه و محل کار در مجاورت یک‌دیگر بودند. هم‌چنین، نجفی و شرف‌الدین (۱۳۹۵)، در مقاله «نقد و بررسی مفهوم سبک زندگی در اندیشه بور دیو» به بررسی عوامل و نیروهای تاثیرگذار سبک زندگی

بر تولید، تثبیت و تغییر آن‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش، حکایت از آن دارد که بور دیوسبک زندگی را در مفاهیمی هم‌چون، عادت‌واره، میدان، ذوق و سلیقه تحلیل می‌کند. ارمغان و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله «بازتعریف نقش زن در خانواده و تاثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار» به این نتایج رسیدند که، ظاهر شدن زنان در جامعه، با کم‌رنگ شدن فاصله بین زنان و مردان موجب تغییرات فرهنگی در زندگی گردید؛ تاجایی که، در اواخر دوران ناصری وجود خواجه‌ها که رابط بین زنان و مردان بودند-از بین رفت؛ و با رواج تک‌همسری اندرونی‌های متعددی که برای خواجه‌ها ایجاد شده بودند، کنار گذاشته شدند و خانه فضای متمرکزتری به خود گرفت. ارمغان و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش «معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار» به نقش فرهنگ در شکل‌گیری معماری این خانه‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که، ساختار خانواده در چگونگی شکل‌گیری و انعطاف‌پذیری تغییر کالبد خانه‌ها نقش مهمی دارد و هرگونه تغییر در تعداد یا نیازهای اعضای خانواده تعریف مجدد کالبد خانه را به همراه دارد. علیزاده (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی و فن‌شناسی تحول هنر نقاشی در دوره اول قاجاری» به شناخت فنون به‌کار رفته در نقاشی‌های این دوره پرداخت و نتایج این تحقیق، شناخت کاملی از تاریخ هنر در زمینه نقاشی و فن‌شناسی و بهره‌گیری از آن‌ها در مرمت و حفاظت بهتر آثار تاریخی را به همراه داشت. این پژوهش، بر روی یک نمونه از خانه‌های تاریخی در رشت -که از بناهای باقی مانده از دوران قاجار است- صورت گرفته است. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از شاخص‌های سبک زندگی و کارکردهای آن به موازات مولفه‌های اقتصادی و تجددگرایی، از طریق اشتراک آن‌ها با یک‌دیگر، سعی در تولید مولفه‌های جدیدی دارد که با استناد به آن‌ها در تحلیل نقاشی‌های دیواری وقایع آن دوره در عرصه‌های اقتصادی را در ذهن مخاطب به تصویر بکشد.

مبانی نظری

-تعاریف و دیدگاه‌ها

مفهوم سبک زندگی ابتدا، به‌عنوان معیاری برای ارزیابی طبقات اجتماعی در علوم جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. از قدیمی‌ترین تکنیک‌ها در زمینه «طبقه» روشی به‌نام مقیاس اتاق نشیمن است. این مقیاس بر این اساس ساخته شده است که، عموماً، سبک زندگی و خصوصاً، اشیای تحت تملک افراد در طبقات اجتماعی مختلف متفاوت است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۱۰). به اعتقاد چاپمن، لوازمی که در اتاق نشیمن قرار داده می‌شود، انعکاسی از دستاوردهای فرهنگی، دارایی مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن است (Chaoman², 1995: 375). اصطلاح سبک زندگی در تعریف عامه، عبارت است از روشی که مردم برای رفتار با فعالیت‌های خود انتخاب می‌کنند تا خود را از دیگران متمایز نمایند؛ و به‌عنوان بخشی از فرهنگ می‌گردد (Rapoport, 1969: 15). پیتز برگر^۳ پژوهشگری است که فعالیت‌های وسیعی در زمینه سبک زندگی و مسکن‌گزینی انجام داده است. او بیان می‌کند که، مدرن‌سازی زندگی لازمه رشد اقتصادی و موفقیت در این موارد است (Giddenes, 1388: 64). توماس هجراب نیز معتقد است که، تغییر اولویت‌های خانه با سطح درآمد و محل کار و سبک‌کاری افراد ارتباط دارد (ابراهیمی، سلطانزاده و میرشاهزاده، ۱۳۹۶: ۵۰۸). بور دیو، جامعه‌شناس، در این باره از تعبیری هم‌چون عادت‌واره‌ها، ریختار و سلیقه -که نشانه‌ای از فردیت فرد را به همراه دارد- صحبت می‌کند. از نظر او، سبک زندگی نشانه‌های متمایزکننده است که در قالب ریختارشناسی متفاوت فضا به نمایش درمی‌آید (Bourdieu⁴, 1977: 24). عادت‌واره، حاصل اجتماعی شدن و تربیت در انواع محیط‌های رسمی و غیر رسمی است که افراد تجربه می‌کنند (نجفی و شرف‌الدین، ۱۳۹۵: ۴۲). عادت‌واره، به تبع جایگاه اجتماعی افراد تغییر می‌کند و از این رو، اعضای جامعه متناسب با موقعیت و جایگاه‌شان عادت‌واره‌های متفاوتی دارند؛ و افراد با جایگاه‌های تقریباً مشابه نیز عادت‌واره‌های تاحدودی مشابه خواهند داشت (Reiters, 1374: 721). عادت‌واره این امکان را برای

افراد ایجاد می‌کند، تا به آن محیط اجتماعی روی آورند که مربوط به آن‌ها است و عاداتی را بپذیرد که با شأن اجتماعی او متناسب باشد (کوش، ۱۳۹۱: ۱۳۸۱). به اعتقاد جنکینز، عادت‌واره به واسطه تاریخ و ساخت اجتماعی ایجاد می‌گردد. عادت‌واره‌ها به نوبه خود اعمالی را ایجاد می‌کنند که در غیاب عوامل بیرونی در خدمت تولید مجدد ساخت اجتماعی هستند. به بیانی تاریخ معمولاً، خود را تکرار می‌کند (Jenkins⁵, 1385: 153). در نهایت، افراد تحت تاثیر عادت‌واره به انتخاب و گزینش دست می‌زنند و همین گزینش‌ها به شیوه زندگی او جهت می‌دهد (نجفی و شرف‌الدین، ۱۳۹۵: ۴۸). بوردیو در موضعی دیگر، سبک زندگی را فعالیت‌های نشات‌گرفته از ذوق و سلیقه افراد که بیش‌تر جنبه عینی و خارجی دارد و در عین حال، به شخص هویت نیز می‌بخشد- بیان می‌کند. او سلیقه را ترجیحات آشکار بیان می‌کند (Bourdieu, 1390:93). بوردیو سبک زندگی را ویژگی‌ها و خصایصی می‌داند که افراد با جایگاه متفاوت را از یکدیگر متمایز می‌سازد: «جهان ویژگی‌هایی که دارندگان موقعیت‌های مختلف از طریق آن‌ها خود را از دیگران متمایز می‌سازند؛ خواه قصد این کار را داشته باشند، خواه نداشته باشند» (Ibid: 341). بوردیو اعتقاد دارد که همیشه کشمکشی برای دست‌یابی به قدرت در درون طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد (Ibid, 1989:20). منزلت از ریشه‌های دیگر قدرت است و بستگی به ارزیابی سایر اعضای جامعه از وضعیت گروه‌ها دارد (فائق و باینگانی، ۱۳۹۵: ۱۵۶). ریشه‌های قدرت را باید در جایگاه، موقعیت و منزلتی افراد جستجو کرد (Gorwich, 1358: 42). ماکس ویر از نخستین کسانی بود که، مفهوم جدیدی را درباره پایگاه اجتماعی به تصویر کشید. از دیدگاه او، پایگاه اجتماعی بیان‌کننده قدرت شخص در عرصه‌های اجتماعی است (قاسمی و صمیم، ۱۳۸۷: ۸۸). ویر معتقد بود که پایگاه اجتماعی اشخاص به همراه طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی، بخش اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهد (ملک، ۱۳۸۳: ۵). طبقات بالای اجتماعی، اقتدار، کرامت و تمایز اجتماعی خود را از طریق سبک زندگی به نمایش می‌گذارند (Bourdieu, 1390:297). پوردیهیمی

سبک زندگی را به فعالیت‌ها و شیوه انجام آن‌ها مربوط می‌داند (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۳-۱۸). مایک فدرستون سبک زندگی را نوعی بیان زیباشناختی بیان می‌کند و معتقد است این موضوع به دلیل ناپایداری شدن زندگی‌های روزمره و رواج فرهنگ مصرف‌حایز اهمیت است (فدرستون، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۲۲۸). مایک سه رویکرد را در مطالعه فرهنگ مصرفی بیان می‌کند. دیدگاه اول، بر مبنای تولید گسترده سرمایه‌دارانه کالا است و تابع تقاضای اقتصادی است؛ دیدگاه دوم، به منظور ایجاد تمایز اجتماعی و برقراری مرزها به کار گرفته می‌شود و دیدگاه سوم، به لذت‌های احساسی مصرف مرتبط با جهان مربوط می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، به دلیل شرایط ویژه درباریان و تحولات مربوط به آن، دوران قاجار به سه دسته کلی تفکیک گردید. با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران مولفه اقتصادی بازنمایی از شغل، عادت‌واره‌ها، طبقه اجتماعی بزرگ خانواده، توان اقتصادی او و فرهنگ مصرفی است. مولفه اجتماعی که ساختار خانواده، تعاملات اجتماعی و روابط خانوادگی را بیان می‌کند و مولفه‌های فرهنگی نیز مذهب و حریمیت و... را نشان می‌دهند (مهری، سهیلی و ذبیحی، ۱۳۹۹: ۴۲).

کارکردهای سبک زندگی از نگاه بوردیو

بر طبق اندیشه بوردیو کارکردهای سبک زندگی را می‌توان تقسیم‌بندی کرد (نجفی و شرف‌الدین، ۱۳۹۵: ۵۰).

۱. اثبات هویت فردی: از این مجرا افراد راهی برای اثبات فردیت، اقتدار و هویت خویش پیدا می‌کنند. سبک زندگی در جامعه مصرفی، راهی برای ابراز تمایز خود از دیگران به واسطه جلوه‌نمایی متفاوت و به نمایش گذاشتن الگوی اختصاصی مصرفی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۲. شناخت اجتماعی: هر طبقه اجتماعی سبک زندگی مختص به خود دارد. سبک زندگی جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد و گروه‌ها و... را نشان می‌دهد. سبک زندگی از طریق ایجاد تمایز هویت معینی را تایید و بینش خاصی از جهان اجتماعی را تداعی می‌کند. از دیدگاه بوردیو،

طبقات دارای موقعیت بالای اجتماعی هویت و تمایز اجتماعی خود را با سبک زندگی به دیگران نمایش می‌دهند (بورديو، ۱۳۹۰: ۲۹۷).

تمایزگذاری اجتماعی: تمایزاتی که سبک زندگی را تعریف می‌کنند، ریشه در ذوق و سلیقه آن‌ها دارد و این امر، چیزی جز بی‌میلی و روی‌گردانی از علایق دیگران نیست (حیدرآبادی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸).

۳. نشان مبارزه و سلطه طبقاتی: از نظر بورديو، پیوند تفکیک‌ناپذیری میان طبقات اجتماعی و سبک زندگی وجود دارد. لذا، سبک زندگی می‌تواند به‌عنوان واسطه‌ای برای تعریف و مبارزه طبقات اجتماعی مختلف باشد. چراکه ساختار سبک زندگی متناسب با ساختار سلسله‌مراتب طبقات اجتماعی و بر پایه ذوق زیباشناختی و مصرف فرهنگی بیان می‌گردد. از طرفی، سبک زندگی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای جدال بین طبقات باشد (Stones, 1379: 34).

بررسی تحولات تاریخی اقتصادی دوران قاجار

تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنر، همواره، در طول تاریخ بر یک‌دیگر اثرگذار بوده‌اند، به طوری که، برای بررسی هنر در هر دوره و دلایل تغییرات در سبک و رویکردها اقبال‌همگانی برای درک یک شیوه، می‌توان تداوم و گذرآبودن آن و اثر آن‌ها بر زمینه‌های شکل‌گیری را نادیده گرفت (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۴). با آغاز حکومت آغا محمدخان قاجار در زمینه هنر پیشرفتی دیده نشد؛ و هنر از زمان فتحعلی‌شاه تا دوران ناصرالدین‌شاه به اوج و شکوه خود رسید (شیرازی و موسوی لری، ۱۹۱۳۹۶). در دوران قاجار، پس از اولین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا که به تشویق میرزا حسین‌خان مشیرالدوله انجام گرفت تغییراتی در اوضاع اجتماعی، فرهنگی مردم به وجود آمد، برخی از این تغییرات در لباس مردان و زنان، ورود ماشین، تراموا، ساخته‌شدن آمفی‌تئاترها به سبک غربی و کاخ‌ها به خوبی دیده‌شد (ارمغان، سلطانزاده و بهبهانی، ۱۲۱۳۹۴). تزیینات در دوره اسلامی در ایران بسیار رایج بوده است و در هر دوره، با توجه به امکانات در حال ترقی بود. تزیینات جزو

جدایی‌ناپذیر معماری اسلامی بوده و بخش عمده‌ای از آن را در بر می‌گرفت؛ از این تزیینات در کوچک‌ترین و ساده‌ترین تا کلی‌ترین و عمده‌ترین بخش معماری به زیبایی و روش‌های مختلف استفاده می‌شود (مکی نژاد، ۲۱۳۸۷). با شروع نیمه دوم قاجار دیگر نمی‌توان دیوارنگاری‌هایی از نوع سیاسی در عمارات مشاهده کرد؛ بلکه دیوارنگاره‌ها تنها جنبه تزیینی داشته و حس زیبایی‌شناسی اعیان و حتی مردم عادی را انعکاس می‌دادند (آژند، ۱۳۸۵: ۴۱). در دوران صفوی، به ویژه سلطنت شاه عباس اول، ابریشم‌گیلان از نظر کیفی و کمی از مرغوبیت بالایی برخوردار بود؛ و به‌عنوان یک کالای صادراتی نقش مهمی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای همسایه ایفا می‌کرد (رحیمی، یوسف‌جمالی و جدیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۷). شاردن، ابریشم را کالای عمده تجاری ایران می‌داند و انواع پارچه‌هایی را که در کارگاه‌ها تولید می‌گردید، به‌عنوان کالای باارزش نام‌گذاری کرد (شاردن، ۱۳۵۰: ۸۶-۸۸). ابریشم با اقتصاد و رسوم فرهنگی مردم برخی از کشورهای آسیایی به ویژه ایران، چین، ژاپن و هند ارتباط زیادی داشت و به‌عنوان کالای اقتصادی ارزشمند مورد توجه طبقات مرفه بود (پناهی، ۳۱۳۹۹). درآمد ایران در سال‌های متممادی یا از طریق فروش ابریشم به صورت خام بوده و یا این درآمد از طریق واسطه‌گری ایران در فروش ابریشم چین و هند به کشورهای غربی بوده است. همین خرید و فروش‌ها موجب رونق روابط ایران با سایر کشورهای گردید؛ و در نهایت، ورود تعداد زیادی از بازرگانان به ایران را به همراه داشت. برخی از پادشاهان به منظور تسلط بر ابریشم به دست آوردن این کالاچه در قالب هدیه و چه خراج به این مناطق لشکرکشی می‌کردند. در بیش‌ترین مکان‌ها هدیه و غرامتی که مردم شکست خورده تقدیم سلاطین می‌کردند، جامه ابریشم و پارچه‌های ابریشمی وجود داشت. گاهی نیز مستمری و دستمزد حقوق بگیران با ابریشم پرداخت می‌شد (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۶۴).

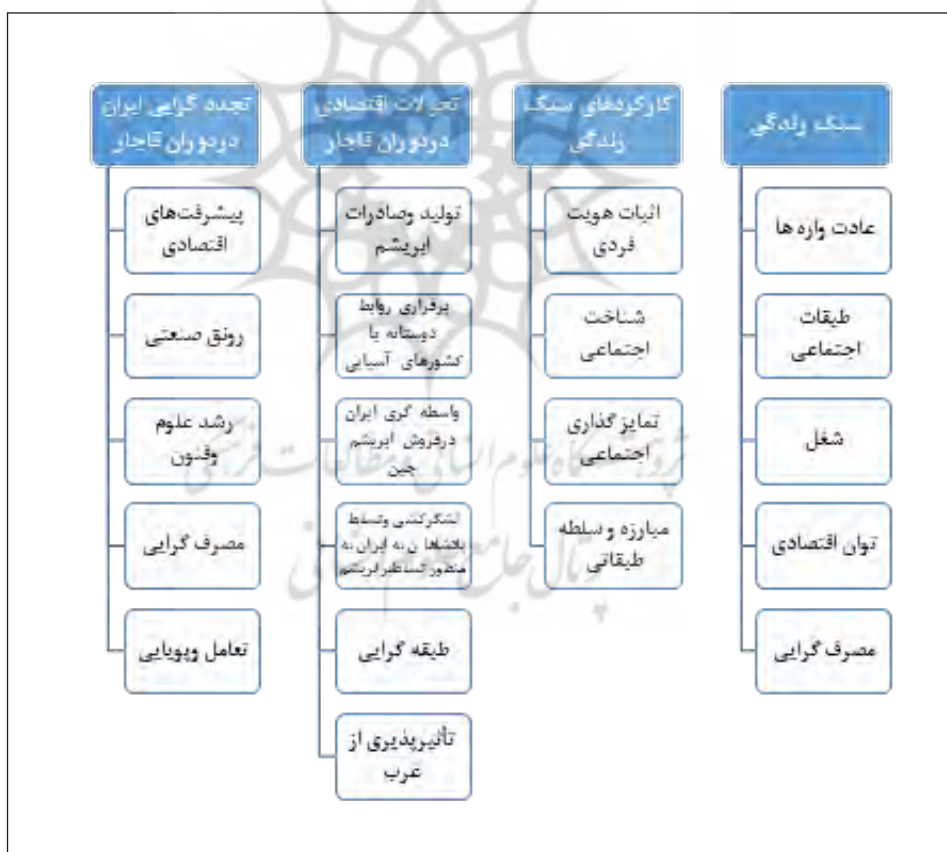
تجددگرایی در ایران قاجار

دوران قاجار و مشروطیت را باید سرآغاز جدی تجددگرایی در ایران نام نهاد. شکل‌گیری اندیشه تجدد در ایران ارتباط تنگاتنگی با اندیشه ترقی در ایران دارد. هر چند اندیشه‌ها و تمایلات پیشگامان تجدد طلبی در ایران در ماهیت خود منجر به پیشرفت در ایران و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید در جامعه ایران بود، اما در اصول و مبانی فکری خود به شدت تحت تاثیر اندیشه تجدد و فرهنگ غرب بود. از مهم‌ترین جنبه‌های تجدد در دوران قاجار این است که، اغلب، تجددطلبان در این عصر در رویکردشان به غرب، به رغم دل‌بستگی زیادی که به عنوان ترقی و پیشرفت در زمینه‌های اقتصاد، صنعت، علوم و فنون و... از

خود نشان داده‌اند، نتوانسته‌اند به کانون‌های فکری سازنده آن پیشرفت‌ها راه یابند؛ بلکه با قرار گرفتن در جایگاه مصرف‌کننده، به مصرف محصولات و مصنوعات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی غرب محدود شدند (آجدانی، ۱۳۹۰: ۱).

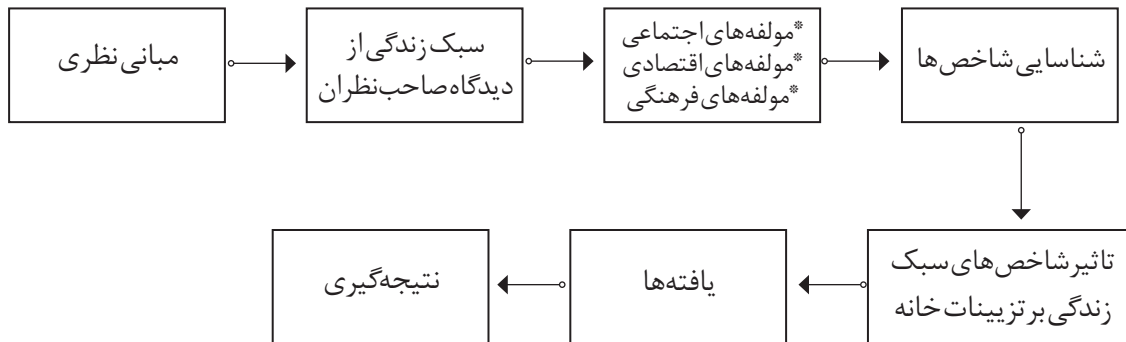
چارچوب نظری

با توجه به شاخص‌های سبک زندگی، کارکردهای آن به موازات مولفه‌های اقتصادی و تجددگرایی در دوران قاجار و هم‌پوشانی آن‌ها به معیارهای جدیدی در زمینه تجزیه و تحلیل نقاشی‌هایی با موضوع انسانی در خانه ابریشمی می‌توان دست یافت که برای درک بهتر آن مدل مفهومی ذیل ترسیم گردید (تصویر ۱).



تصویر ۱- مولفه‌های خروجی حاصل از هم‌پوشانی بستر تحولات اقتصادی و تجددگرایی و سبک زندگی (نگارندگان، ۱۴۰۰).

مدل تحلیلی پژوهش



یافته‌ها

تاریخچه شهر رشت و نقش گیلان در روابط اقتصادی دوران قاجار

قدمت تاریخی شهر رشت^۶ به احتمال زیاد به قبل از اسلام و حداقل به دوره ساسانیان می‌رسد. قاجار از طوایف ترک بودند که پس از حمله تیمور در چند نقطه ایران مستقر شدند. بخش عمده‌ای از بافت قدیمی رشت به صورت نوار پهنی در بخش مرتفع آن قرار دارد که از غرب به شرق کشیده شده است. محدوده بافت قدیمی و تاریخی رشت شامل هشت محله‌ای است که به صورت پیوسته در کنار یکدیگر شکل گرفته‌اند. رابینو محله‌های رشت را این‌گونه برشمرده است: بازار، زاهدان، خمیران زاهدان، استادسرا، صیقلان، کیاب، چمارسرا و پسکیا. اولین مرحله پیدایش محله‌های رشت را می‌توان در ناحیه بازار فعلی جستجو کرد. تجار ابریشم ایرانی و خارجی که سابقاً خود برای خرید ابریشم به گیلان سفر می‌کردند، به دستور شاه عباس در رشت جمع شدند (میرهن شفیع، ۱۳۹۰: ۲۲).

معرفی خانه ابریشمی

این بنا یکی از بناهای باارزش، زیبا و به‌جامانده از عصر قاجاری در شهر رشت است که در ضلع جنوب شرقی میدان صیقلان و در انتهای کوچه شاعری قرار گرفته است (زنده دل و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۱). این بنا متعلق به حاج میراسماعیل حاکمی معروف به حاج حاکم بود که بعدها توسط پسر کوچک حاج حاکم در سال ۱۳۱۸ توسط حاج میرزا احمد ابریشمی

فروخته و به این نام مشهور شد. مساحت این بنا با زیربنای ۲۰۰ مترمربع و اعیانی ۶۵۰ مترمربع در دو طبقه قرار داده شده است (شاطری و ایقان و دبدبه، ۱۳۹۸: ۱۵۹). خانه ابریشمی به دلیل دارا بودن، تالار چینی خانه بسیار ظریف و دقیق با بشقاب‌های نقاشی شده با موضوعات گل و مرغ، موضوعات انسانی و گچ‌بری‌های چشمگیر و تالار آینه‌کاری شده از جلوه‌های معماری در دوران قاجار است. در بدنه و طاقچه‌ها مجموعاً ۷۹ کاسه و بشقاب با نقوش تزیین شده و در دیف‌های نزدیک به سقف این تالار هم ۵۲ کاسه گل مرغی قرار داده شده است. از دیگر تزیینات تالار چینی خانه وجود شومینه در این تالار است. تالار آینه نیز مزین به گچ‌بری است و قطعات آینه در شکل‌های مختلف در بدنه‌ها و سقف قرار داده شده‌اند. همان‌گونه که مطرح شد تالارها به دلیل این‌که دارای تزیینات بودند، محل پذیرایی از مهمان ساخته شده‌اند که در خانه‌های اعیان و مرفهان دارای بیش‌ترین تزیینات بوده‌اند. بنا بر رفت و آمد تجار در شهرها و اقامت چندروزه آنان در منازل دیگر تاجران، فضای اقامت و پذیرایی مهمانان در خانه‌های شهری از اهمیت بارزتری برخوردار بوده است؛ طوری که این فضاها در این خانه‌ها در بهترین موقعیت استقرار می‌یافتند (خاکپور، ۱۳۸۶: ۳۳). تزیینات غنی تراز گذشته به سمت بیان تجملات و به صورت گچ‌بری، تزیینات چوبی، آینه‌کاری، آجرکاری و... دیده شد (شاطری و ایقان و دبدبه، ۱۳۹۸: ۱۵۷). خانه ابریشمی به عنوان یکی از خانه‌های اعیانی گیلان از چنین تزییناتی برخوردار است. این بنا در حال حاضر در اختیار «بنیاد نخبگان» گیلان می‌باشد.

جدول ۲- شاخص‌های حاصل و متاثر از سبک زندگی در نمونه موردی (نگارندگان، ۱۴۰۰).

| ردیف | نقاشی | تصویر | شاخص‌های سبک زندگی با رویکرد اقتصادی | | | |
|------|-----------------|--|---|---|--|--|
| ۱ | مضامین |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | عادت‌واره | طبقه اجتماعی | شغل | توان اقتصادی |
| | تنفیذ قدرت | | - به رخ کشیدن ثروت - بیان تجمل‌گرایی - شان و منزلت اجتماعی - قدرت سیاسی و اقتصادی - ذوق و سلیقه | - پایگاه اقتصادی - اقتدار و کرامت ایرانی با به‌کارگیری نقوش ایرانی | مالک اصلی: کلاتر شهر مالک بعدی: تاجر و بازرگان ابریشم | - سطح درآمد - شغل - سبک کاری |
| ۲ | هنر تلفیقی |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | عادت‌واره | طبقه اجتماعی | شغل | توان اقتصادی |
| | | | - شان و منزلت اجتماعی (تاکید بر اصالت ایرانی با نقاشی‌های ایرانی و بیان موقعیت اقتصادی با چینی‌ها) - بیان ذوق و سلیقه ایرانی در کنار تصاویر چینی | - پایگاه اقتصادی و بیان روابط اقتصادی در داد و ستد با چینی‌ها - اقتدار باصلاحت ایرانی با به‌کارگیری حداکثری از نقوش اصیل ایرانی در تالار پذیرایی | مالک اصلی: کلاتر شهر مالک بعدی: تاجر و بازرگان ابریشم | - سطح درآمد - شغل - سبک کاری |
| ۳ | اقتصادی |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | - قدرت اقتصادی - تبلیغات اقتصادی برای داد و ستد ابریشم | - | تاجر و بازرگان ابریشم | - بیان لذت‌های احساسی مصرفی - کسب درآمد |
| ۴ | سیاسی - اجتماعی |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | عادت‌واره | طبقه اجتماعی | شغل | توان اقتصادی |
| | | | - به رخ کشیدن ثروت - بیان تجمل‌گرایی - شان و منزلت اجتماعی - ذوق و بیان سلیقه شخصی در مرادوات حکومتی | - پایگاه اقتصادی (برقراری روابط دوستانه بین تاجر و بازرگانان) - اقتدار و کرامت | تشکیلات حکومتی | - سبک کاری |
| ۵ | حکومتی |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | عادت‌واره | طبقه اجتماعی | شغل | توان اقتصادی |
| | | | - به رخ کشیدن دارایی - بیان مقام حکومتی با نمایش پوشش | - تشکیلات حکومتی - دعوت به همکاری در تبادلات اقتصادی | مقامات حکومتی و اقتصادی | - سطح درآمد بالا (به دلیل اینکه دارای جایگاه حکومتی و یا بازرگانی است) |
| ۶ | جریانات اجتماعی |  (نگارندگان، ۱۴۰۰) | - | - پایگاه اجتماعی - مرادوات دوستانه | تاجر و بازرگان | - سطح درآمد - شغل - سبک کاری |

نتیجه‌گیری

در دوران قاجار تغییرات بسیار قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، علوم و رشد روابط تجاری و بازرگانی در انواع داد و ستدهای کالاهای استخراج شده حاصل شده است. رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی شهر رشت و شکل‌گیری طبقات جدیدی از تجار در این شهر، از عوامل بسیار مهم در گسترش نقاشی‌های دیواری است. گسترش تزیینات دیواری در خانه‌های اعیانی در رشت ارتباط معناداری با اندیشه و تحولات شگرف در دوران قاجار دارد. برقراری روابط اجتماعی طبقات تجار با دیگر طبقات شهری در دوران قاجار به عواملی بسیاری وابسته است. نخستین عامل، مراودات طبقه تجار با دیگر بازرگانان شهر که در انجام امور تجاری با آنها در رقابت بودند. عامل دوم، تعاملاتی که این طبقه با جامعه طبقاتی عمومی داشتند که هدف مهم آنها ارتقای منزلت و شان اجتماعی بود. عامل سوم نیز ارتباطات تجاری و اقتصادی است که این گروه از جامعه با هم‌تایان خود در سایر کشورها داشتند. در این مقاله تلاش شد تا سبک زندگی و اثربخشی نقوش انسانی بر ماندگاری جایگاه اجتماعی در میان طبقات متمول به روشنی پرداخته گردد. به این موضوع، در این مقاله در قالب فرضیه پرداخته شده است که نقوش انسانی در خانه‌های اشراف و تجار در عصر قاجار به دلایلی چون رشد سرمایه‌های اقتصادی، تغییر در سبک و ساختار زندگی، تغییر در ذائقه و دستاوردهایی نظیر منزلت و تمایزات اجتماعی، ماندگاری اصل و نسب خویش بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که، در دوره‌های معینی از رونق اقتصادی و شرایط مساعد اجتماعی - سیاسی، معماری رشت با تغییرات چشمگیری همراه بوده است. این‌گونه تحولات موجبات رشد تزیینات و نقوش در بناهای باشکوه دوران قاجار شده است. از جمله دلایل توسعه نقاشی‌ها و تزیینات را می‌توان جلب کرامت و تمایزات اجتماعی تاجران و صاحبان این خانه‌ها در برابر رقبا و هم‌تایان خویش دانست که به منزله نشانی از مصرف رقابتی و پرزرق و برق این طبقه برای به نمایش گذاشتن سرمایه اقتصادی و ماندگاری اصل و نسب و مقام است. به عبارتی،

می‌توان بیان نمود که رابطه معناداری میان متغیر سبک زندگی و گرایشاتی هم‌چون عادت‌واره، فرهنگ مصرفی، طبقه اجتماعی، توان اقتصادی، شغل و سبک‌کاری افراد وجود داشته است. این ارتباط به مرور زمان، ابتدا، در خانه‌های اعیان و اشراف و سپس، در تمامی سطح کلی جامعه نیز نمود پیدا کرده است.

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از همراهی خانم دکتر خاکبان از کارکنان محترم میراث فرهنگی و جناب حیدری و حسنی‌نژاد، عزیزان خدوم بنیاد نخبگان در شهر رشت که در جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق زحمات زیادی را متقبل شدند.

پی‌نوشت

1. Willem Flor.
2. Chaoman.
3. Peter, Berger.
4. Bourdieu.
5. Jenkins.
6. Mike, Featherston.
7. از آنجا که نام این شهر در کتاب حدود العالم (330 ه. ش) آمده است (مبهرن شفییعی، 1390: 21)

منابع

- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۹۰). رویای تجدد در ایران، *روزنامه شرق*، (سه‌شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۰)، شماره ۱۲۱۳.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۵). دیوارنگاری در دوره قاجار، *هنرهای تجسمی*، شماره ۲۵، ۳۴-۴۱.
- ابادری، یوسف و چاووشیان، حسن (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای منبع‌نویین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، ۳-۲۷.
- ابراهیمی، غلامرضا؛ سلطانزاده، حسین و کرامتی، غزال (۱۳۹۶). بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار همدان، *باغ نظر*، سال چهاردهم، شماره ۴۷، ۲۹-۳۸.
- ابراهیمی غلامرضا؛ سلطانزاده حسین و میرشاهزاده، شروین (۱۳۹۶). تاثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره اول شهر همدان، *مدیریت شهری*، شماره ۴۷، ۵۰۵-۵۲۲.

احمدی، مهناز (۱۳۹۴). نقاشی قاجار، دستاوردهای نو با ادامه سنت؛ نقدی بر کتاب همگانی ادبیات و نقاشی قاجار، **نقد کتاب هنر**، شماره ۵ و ۶، ۵۱-۷۲.

ارمغان، مریم؛ سلطانزاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۹۳). معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار، **پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**، دوره ۳، شماره ۱، ۲۹-۵۰.

ارمغان، مریم؛ سلطانزاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۹۴). بازتعریف نقش زن در خانواده و تاثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار، **باغ نظر**، سال دوازدهم، شماره ۳۴، ۱۱-۲۴.

استونز، راب (۱۳۷۹). **متفکران بزرگ جامعه شناسی**، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.

بورديو، پی‌یر (۱۳۹۰). **تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.

پناهی، عباس (۱۳۹۹). نقش ابریشم‌گیلان در روابط خارجی ایران عصر قاجار، **تاریخ نامه ایران بعد از اسلام**، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ۱-۲۶.

پوردیپیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، ۳-۱۸.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۱). ابریشم‌گیلان، **پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی**، شماره ۳۴، ۱۴۶-۱۷۵.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). **پی‌یر بورديو**، ترجمه لیلاجو افشانی و حسن چاوشیان، تهران: نی.

حسینیان، هیراد؛ سهیلی، جمال‌الدین و اسلامی، سیده سپیده (۱۳۹۹). بررسی تحولات سیاسی-اجتماعی دوره قاجار در نقاشی‌های دیواری خانه امام جمعه در تهران، **جلوه هنر**، سال دوازدهم، شماره ۳، ۷-۲۴.

حیدرآبادی، ابوالقاسم و رضایی، زهرا (۱۳۹۰). علل‌گرایش جوانان به سمت سبک موسیقی غرب، مطالعه موردی جوانان شهرستان آمل، **هنر و موسیقی**، سال چهاردهم، شماره ۱۱۲، ۷-۱۱.

خاکپور، مزگان (۱۳۸۶). **معماری خانه‌های گیلان** (دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان ۹)، چ. دوم، رشت: فرهنگ ایلیا.

رحیمی، غلامرضا؛ یوسف‌جمالی، محمدکریم و جدیدی، ناصر (۱۳۹۷). نقش ابریشم در روابط تجاری-سیاسی گیلان و روسیه از دوره شاه عباس اول تا شاه عباس دوم، **مطالعات سیاسی**، سال دهم، شماره ۴۰، ۱۹۷-۲۲۰.

ریترز، جورج (۱۳۷۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.

زنده‌دل، حسن؛ نوروزی، محرم؛ سلیمی، زهره و بصیری، افسانه (۱۳۹۰). **راهنمای گردشگری ایران: استان گیلان**، جلد ۲۵، تهران: ایرانگردان.

شاردن، ژان (۱۳۵۰). **سیاست‌نامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

شاطرلی وایقان، امید و دبدبه، محمد (۱۳۹۸). ساختار معماری خانه‌های تاریخی ایران؛ دوره قاجار، **شبک**، دوره ۵، شماره ۷، ۱۴۹-۱۶۴.

شیرازی، ماه‌منیر و موسوی‌لر، اشرف‌السادات (۱۳۹۶). بازبانی لایه‌های هویتی در هنر دوره قاجار (مطالعه موردی

روی کاشی‌های دوره قاجار)، **نگره**، سال دوازدهم، شماره ۴۱، ۱۸-۲۸.

علیزاده، سیامک (۱۳۹۱). بررسی و فن‌شناسی تحول هنر نقاشی در دوره اول قاجاری، **نگره**، سال هفتم، شماره ۲۲، ۷۲-۸۳.

فانقی، سحر و باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی (مطالعه در میان شهروندان اصفهانی)، **جامعه پژوهی فرهنگی**، سال هفتم، شماره ۳، ۱۲۷-۱۴۸.

فدرستون، مایک (۱۳۸۰). زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره، ترجمه مهسا کریم پور، **ارغنون**، سال هشتم، شماره ۱۹، ۱۸۷-۲۲۸.

فلور، ویلم (۱۳۵۶). **اولین سفرای ایران و هلند**، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران: طهوری.

قاسمی، وحید و صمیم، رضا (۱۳۸۷). مطالعه‌ای پیرامون رابطه قشربندی اجتماعی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده‌هایی در زمینه موسیقی در شهر تهران، **جامعه‌شناسی ایران**، سال نهم، شماره ۲، ۸۰-۱۰۱.

کوش، دنی (۱۳۸۱). **مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی**، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.

گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸). **آیین خيال** (تجزیه و تحلیل و بررسی نقوش تزیینات در هنر دوره قاجار تهران)، تهران: سوره مهر.

گوروپچ، ژرژ (۱۳۵۸). **مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، چ. سوم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). **مدرنیت، زمان، فضا**، ترجمه حامد حاجی‌حیدری، تهران: اختران.

میرهن شفیعی، نیکروز (۱۳۹۰). **معماری برخی از خانه‌های تاریخی گیلان** (دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان ۳۷)، رشت: فرهنگ ایلیا.

مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۱). نقش تزیینات در معماری اسلامی کاشی ایرانی، **کتاب ماه هنر**، شماره ۴۵ و ۴۶، ۶۸-۷۱.

ملک، حسن (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی (رشته علوم اجتماعی)**، تهران: دانشگاه پیام نور.

مهدوی‌کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گسترش آن در علوم اجتماعی، **تحقیقات فرهنگی ایران**، سال اول، شماره ۱، ۱۹۹-۲۳۰.

مهری، سودابه؛ سهیلی، جمال‌الدین و ذبیحی، حسین (۱۳۹۹). تاثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان نشین دوره قاجار در مازندران، **باغ نظر**، سال هفدهم، شماره ۹۳، ۵۱-۶۶.

نجفی، حبیب‌الله و شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۵). نقد و بررسی سبک زندگی در اندیشه بورديو، **معرفت**، شماره ۲۳۱، ۴۱-۵۷.

نخعی، شیدا و طاهری، جعفر (۱۳۹۴). **تأثیرات تجارت بر روش زندگی و معماری بوشهر در دوره قاجار**، دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی با رویکرد توسعه و فناوری.

Sami, Ziba, belali oskoyi, Azita (2021), Study of Perceptual geometry of the body of house: A case study-Houses of Qajar era in Tabriz, *Journal of Engg*, Research Vol.10 No (4A), 16-27.

Sharifi Mehrjardi, Ali Akbar (2017), Investigating the Reasons for the Growth of Mural Paintings of Merchants Houses in Yazd in the Qajar Era Based on the Constructed Model of Durability Process of Symbolic Capital, *International Journal of Applied Arts Studies*, IJAPAS 2(1)(2017), 63-75.

Shirazi, M., Moosavilar, A. (2016). Retrieval of identity layers in Qajar Era (Case Study: Ceramics). *Scientific Research Quarterly Journal Negre*, (41). (Text in Persian).

References

Alizadeh, S. (2012). Survey on ways of Painting Development in the First Part of Qajar Period, *Scientific Research Quarterly Journal Negre*, (22). (Text in Persian).

Armaghan, M., Soltanzadeh, H., Irani Behbahani, H. (2015). Redefining Woman's Role in the Family and its Impact on the Painting Decorations and Structure of Aristocratic Houses in Tehran during the Qajar era. *Baghe-Nazar*, 12(34), 11-24. (Text in Persian).

Bourdieu, P. (1977). *Distinction: A Social Critique of the judgment of Taste*, Cambridge: Harvard university press. 1-7.

Bourdieu, P. (1989). *Sociological Theory*, 7(1), 14-25.

Chaoman, D. (1995) *Home and social status*. London: Rk.P.

Ebrahimi, GH., Soltanzadeh, H., Keramati, GH. (2017). The Reflection of the West Culture in the Life Style and the Architecture of the Houses in the Late Qajar Dynasty in Hamadan. *Baghe-Nazar*, 14 (47), 29-38. (Text in Persian).

Ebrahimi, GH., Soltanzadeh, H., Mirshahzade, Sh. (2016). The Impact of Modern Lifestyle on the Architecture of the Houses Built in Hamedan in the First Pahlavi Regime. *Journal: Urban Management*, 16(47), 505-522. (Text in Persian).

Hosseini, H., Soheili, J. (2020). Studying the Effect of the Political-Social Development in Qajar Era on Murals of the House of Imam Jom'a in Tehran. *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 12(3), 7-24. (Text in Persian).

Mahdavi Kani, M. (2008). The concept of style of life and its field in social sciences. *Journal of Iranian cultural Research*, 1(1), 199-230. (Text in Persian).

Mehri, s., Soheili, J., Zabihi, H. (2021). Investigating the Effect of Lifestyle on the Spatial Relations of Qajar Era Aristocratic Houses in Mazandaran, *Baghe-Nazar*, 17(93), 51-66. (Text in Persian).

Najafi, H., Sharafoddin, H. (2015). Analyzing the Concept of ((Lifestyle)) from the view Point of Bourdieu. *Marafet monthly*, 25th year, 12(231), 41-57. (Text in Persian).

Nakhaei, Sh., Taheri, J. (2014). *The impact of on lifestyle and architecture of Bushehr during the Qajar. (2nd international congress on new Horizon in Architecture and Planning)*. February 2014, Tehran. (Text in Persian).

Panahi, A., Kohansal Vajargah, H. (2012). The importance of Guilan silk and its economic significance at Safavid period in Caspian region, *Caspian Journal of Environmental Sciences*. 2012, Vol. 10 No.1 pp. 123~129. (Text in Persian).

Rapoport, A. (1969). *House from and culture*. Englewood cliffs, Nj: prentice-Hall.



Lifestyle and Effectiveness of Human Motifs of Silk House on Persistence of Social Status ¹

Jamaledin Soheili ²

Ozma Alaeddini ³

Received: 2022-06-17

Accepted: 2023-02-09

Abstract

The Qajar era can be considered as one of the most influential periods in Iranian history that has been influential in many areas by applying changes and transitions. It is also one of the periods of evolution of Iran's artistic methods, which establishes a link between the artistic experiences of the past and emerging artistic experiences. Many developments were manifested in social and economic aspects of Iran during the Qajar era. Along with drastic developments in social, political, and cultural fields, there were major changes in art, tastes, and aesthetics along with new themes. The reign of Nasereddin Shah was a safe and peaceful era, and it was possible to deal with artistic affairs and zestful luxury of nobles and rich people to some extent. Under these conditions, fine arts and crafts flourished a lot.

Rasht was among the cities that were clearly affected by such changes. The communications of this city with the outside world and Europe expanded during this period and this resulted in a long period of stability, powerful centralized government, economic prosperity, and formation of new classes of merchants and nobles. The houses of the common people were built in this era according to the same old tradition with the same local textures in their time. Merchants and businessmen competed with each other through wealth and social and political connections and used all their efforts to display their position and prestige, to restore greatness and power in all fields. The magnificent and luxurious life of the court and wealthy classes demanded decoration in entertainment ceremonies. The magnificent buildings and houses of the merchants had special shapes with wall decorations and various motifs due to their financial resources in this era. A set of factors such as climatic changes, economic and social developments, and the outbreak of trade among the wealthy classes of merchants brought about many changes in

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.40741.1808

2- Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran, Corresponding Author.

Email: Soheili@qiau.ac.ir

3- MA. Student, Department of Civil Engineering and Architecture, Raja University, Qazvin, Iran.

Email: Ozmaalaeddini@gmail.com

architecture and interior spaces of luxurious houses, which led to individual possessions and ultimately, class conflict at the level of society.

The main objective of this research is to investigate the way of life and its impacts on interior decorations of the rich and nobles' houses. It has been tried to study and review this discourse in relation to the way of life and the huge developments occurred in this era. The present paper aims to answer the main question of lifestyle and effectiveness of human motifs on the social status persistence of the wealthy classes in luxurious houses of Guilan tradesmen during the Qajar era. It seems that the answer to this question lies in the aristocratic houses of the Rasht merchants during the Qajar era for reasons such as the growth of economic capitals, change in lifestyle, gaining class distinctions and finally, achieving the durability of the social status.

The research has been conducted on one example of historical houses in Rasht, which is one of the remaining buildings from the Qajar era. This building has a very delicate and detailed porcelain hall with human painted plates along with flower and chicken decorations and intertwined plastering. These motifs, alongside the impressive mirrored hall, created a world of architectural manifestations in the Qajar era that dazzles the eyes of any visitor. Since the halls were decorated, they were made as a place to receive guests. These places had the most decorations in noble and wealthy houses. The space for the accommodation and reception of guests in urban houses has been of more importance due to the movement of merchants in the cities and their several-day stay in the homes of other merchants, so that these spaces in these houses were situated in the best location of the property. By applying the lifestyle indexes and their functions in parallel with economic and modernism components, through sharing them with each other, and developing a modeling in a theoretical framework, the present study attempts to represent an analysis of wall paintings of that period.

Research in the field of Iranian painting has always faced challenges. Among the most important of these factors are the dispersion and unknown nature of the works, and inaccessibility of the precious relics that are kept in museums and private collections nowadays. The decorations and wall-paintings used in the noble houses of the Qajar era have been investigated by few researchers. In general, the art of this period is analyzed without focusing on environmental factors. Direct observation tools, library studies (documentation) in the field of painting and decorations in the Qajar period, field studies of case samples have been used in description of the steps and process of the research. In this regard, first, the existing decorative motifs were recorded. In the next step, along with library and narrative studies, which are among written and oral references, these decorations were evaluated and categorized. The statistical population includes selected images from the Rasht Silk House. Referring to lifestyle indices, their functions in parallel with the economic components and modernism in the Qajar era and their overlapping, new criteria were presented in order to deduce an answer for the research question. Then, these motifs were analyzed in the form of inferential reasoning based on the received components in response to the research questions so that the influence of the way of life on the building decorations can be evaluated through investigation. Plastering and plaster-painting in Iranian architecture generally have a decorative aspect and are used for interior aesthetics. Regardless of the political intentions, these motifs have been used to stimulate the sense of beauty and emotions. Murals have always been desired by the courtiers during the Qajar era. In fact, they were either used for decorative purposes or they were a means of prosperity.

Economic, cultural, and social growth and development of Rasht city and the formation of new classes of businessmen in this city are very important factors in the popularity of wall-paintings in that era. The spread of wall decorations in luxurious houses in Rasht has a significant relationship with the great developments in the Qajar era. Establishing

social relations between the merchant classes and other urban classes during the Qajar era depended on many factors. The first factor is the relationships and interactions that the merchant class had in competition with other merchants of the city in doing business. The second factor is the interactions that this class had with the general-class society, whose important goal is to enhance their social status and dignity. The third factor is the trade and economic relationships that this group of society had with their counterparts from other countries.

In this paper, an attempt was made to clearly investigate the lifestyle and the effectiveness of human motifs on social status persistence amongst the wealthy classes. Definitions and opinions of experts and thinkers in this field were collected and finally analyzed. This issue has been addressed in this paper in the form of the hypothesis that human motifs in the houses of nobles and merchants in the Qajar era was due to reasons such as the growth of economic capitals, change in the style and structure of life, change in taste and achievements such as dignity and distinction, and as a homage to one's ancestry (lineage).

Based on the theoretical framework and the developed model, the results of this research indicate that the architecture of Rasht has undergone significant changes in certain periods of economic prosperity and favorable socio-political conditions. Such developments have paved the way for the growth and expansion of decorations and other decorative motifs in the magnificent buildings of the Qajar era. Among the reasons for the development of paintings and decorations can be the concentration and winning of dignity and the social distinctions of merchants and owners of these houses against their competitors and peers, which is a sign and evidence of the competitive and glamorous consumption of this class aiming at displaying the economic capitals and the preservation of lineage and persistence of status. In other words, it can be stated that there is a significant relationship between the lifestyle variable and tendencies such as habits, consumption culture, social class, economic power, job, and working style of people. This relationship has first appeared in the decorative motifs used in the houses of the rich and nobles, and then in all general levels of society over time.

Keywords: Lifestyle, Qajar Era Painting, Noble Houses, Silk House, Social Status.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی